

عدل الملك - عرض كنم گویا از تربیت عرض بنده اشتباهی رو داد و خوشوقت شدم كه از قضیه دیگری هم كه علاقمند بودیم شاهزاده شیخ رئیس اطلاعاتی دادند ولی توضیحاً عرض میکنم كه نظر بنده راجع بقانون استخدام مستخدمین داخلی مجلس بود و تصور میکنم مرجع سؤال بنده هم خود آقای رئیس مجلس بوده اند .

رئیس - بلی این قانون بنا بود مراجعه شود بكمیسیون نظامنامه ولی صلاح دیده شد قبلاً در هیئت رئیسه هم مطالعاتی بشود شور اولش هم در هیئت رئیسه تمام شده است شور دومش هم شروع شده انشاءالله در ظرف همین هفته تمام شده مراجعه می شود بكمیسیون كه خودتان هم در آن كمیسیون تشریف دارید

آقای داور (اجازه)

داور - بنده خیلی متأسفم از اینکه وقتی در مجلس این عرض را میکنم كه يك عده از آقایان نمایندگان رفته اند و وقت هم تنگ است .

عرض بنده راجع است بقضیه گاو میری بنا بر اطلاعی كه بنده رسیده است و در روزنامه هم دیده ام این مرض باشدت فوق العاده در اطراف قسمت زیادی از نقاط ایران پیدا شده حتی در بعضی از نقاط اطلاع دارم كسیكه پنجاه و يك گاو داشته چهل ونه گاو آن مرده اند و از طرف استپتو پاستور هم يك مذاكراتی داده شده ولی باید از طرف مجلس بدولت يك تذكري داده شود كه هر چه زودتر از هر جا هر طرف كه ممكن است يك اعتباری تقاضا كنند و يك وسائلی در اسرع اوقات فراهم كنند كه شاید بتوانند از این قضیه جلو گیری كنند والا طولی نخواهد كشید كه گرورها از گاوها تلف میشوند و مقدار زیادی هم صدمه خورده و با كمال تأسف ما این جا در مسائل جزئی صحبت می كنیم .

رئیس - اگر مخالفی نداشته باشد به دولت تذكر داده میشود (جمعی از نمایندگان - صحیح است)

(مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك

جلسه پنجاه و سوم

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه دهم برج سنبله

۱۳۰۳ برابر دوم صفر المظفر ۱۳۴۳

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم یکشنبه هشتم برج سنبله را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند)
رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده قبل از اینکه وارد دستور بشوم از مخیر کمیسیون بودجه سؤالی داشتم هر موقع اجازه میفرمائید عرض كنم رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - آقای مدرس را در صورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند ایشان مدتست مرخص هستند رئیس - بكمیسیون تذكر داده شد بعد اصلاح خواهد شد

وزیر داخله - آقای منصور الملك را به معاونت وزارت داخله بمجلس مقدس شورای ملی معرفی میکنم

رئیس - راپرت شعبه ششم راجع باعتبار نامه آقا میرزا حسن كاشانی مطرح است آقای داور پیشنهاد کرده اند از دستور خارج شود مخالفی دارد

(اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد داور - مخالفی ندارد

رئیس - بهیچوجه مخالفی ندارد؟ جمعی از نمایندگان - خیر

رئیس - راپرت شعبه ششم راجع با آقای هایم جزء دستور است این یکی راهم آقای سر كشیك زاده پیشنهاد کرده اند از دستور خارج شود

مخالفی ندارد؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - راپورت شعبه پنجم راجع با آقای ناصر سیف را هم آقای نجات پیش نهاد کرده اند كه چون آقای مخیر نیستند از دستور خارج شود

اینهم مخالفی ندارد؟

(مخالفی نشد)

رئیس - بودجه دربار سلطنتی مطرح است؛ آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده موافقم

شیروانی - بنده قبلاً امضاء کرده بودم

رئیس - امضاء کرده بودید و نطق خودتان را هم کردید

شیروانی - دومر تبه امضاء کرده ام رئیس - بفرمائید

شیروانی - خلاصه عرایض پریروز بنده این بود كه دونمبه رجال مملكت امروز در مجلس شورای ملی تشریف دارند اوضاع واحوال مملكت را هم می بینند و بالاخره اصلاحات را هم لازم می دانند كه شروع

بشود بقفیده بنده اصلاحات هم از همین جا باید شروع بشود چون مقدم بر همه اصلاحات تقدیم بودجه است و تصور نمیكنم چندان خارج از موضوع هم عرضی کرده باشم چون آقای رئیس فرمودند كه يك قسمت از عرایض بنده مربوط ببودجه كل مملكتی است لذا يك مقداری از آنها را صرف نظر میکنم . بالاخره بنده آنچه در قانون اساسی گردش کرده ام .

يك ماده خاصی كه تعیین تكلیفی برای آقایان نمایندگان راجع ببودجه دربار بكنند ندیدم جز اینکه بعضی مواد را دیدم كه اساساً راجع بدستورات مالی و بودجه بود و يك تكلیفی برای آقایان نمایندگان معین کرده بود .

بنده هم پریروز اصل قانون اساسی را اینجاء عرض كردم و البته حفظ اصول قانون اساسی هم در هر موقعی گمان میکنم مقدم بر همه چیز باشد .

قبلاً راجع بتكلیفی كه پریروز آقای مخیر فرمودند و دومر تبه فرمایش خودشان را تردید فرمودند مختصری عرض میکنم : فرمودند :

شصت و چهل هزار یا پنجاه هزار لیره در سال گذشته از بانك مساعده گرفته شده بنده معنای مساعده را درست نفهمیدم يك ماده در قانون ندیدم كه بدولت اجازه بدهد از يك بانكی مساعده بگیرد ما هم تصور نمیكنم موجب خور بانك باشیم كه از بانك مساعده گرفته شود .

بعلاوه اصل بیست و پنجم قانون اساسی میگوید :

استقراض دولتی بهر عنوان كه باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد .

اینجا مطرح است كه اگر دولت بخواهد پولی بگیرد باید مخصوصاً از مجلس شورای ملی اجازه بگیرد و چون آقای مخیر آنروز عرایض بنده را تكذیب فرمودند خواستم عرض كنم كه بعد هم خودشان فرمایش خودشان را تردید كردند این يك توضیحی بود راجع پریروز اما در اصل موضوع بنده در متمم قانون اساسی چند ماده راجع بامور مالی و بودجه دیدم كه بهر آقایان میرسانم : در اصل نود و چهارم میگوید :

هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بحكم قانون اصل نود و پنجم

مواردی را كه دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود (اصل نود و ششم)

میزان مالیات راهم سه ساله بمجلس شورای ملی با كثریت تصویب و معین خواهد نمود

اصل نود و هفتم - در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد .

اصل نود و هشتم - تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است .

اصل نود و نهم - غیر از مواقعیكه قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اعمال چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملكتی و ایالتی و ولایاتی و بلدی .

در تمام این مواد بنده می بینم نظارت بر تمام مالیه و جمع و خرج مملكت را بمجلس شورای ملی تكلیف کرده است فقط يك ماده دیدم كه مینویسد بودجه دربار را قانون باید معین كند .

ولی قبل از همه چیز ما را مكلف میكند كه بجمع مملكت رسیدگی كنیم تا بفهمیم چه میگیریم و چه قدر در مقابل آن خرج داریم و الا بدون مراعات تعدیل بودجه و بدون مراعات الاهم فالاهم و بدون مراعات اینكه مصارف و سایر مؤسسات مادر چه حال است يك دفعه متذكر آریك بودجه باید در مجلس (قانونهم ما را مكلف کرده است كه از موضوع خارج نشویم و بالاخره ما باید تصویب كنیم یا رد كنیم)

بنده مخالفم و اصلاً باید بفهمم چه دارم آن وقت خرج را معین كنم .

قانون هم این اجازه را بماده داده است كه قبلاً در جمع مملكت نظارت بكنیم بعد در مقابلش

خرج تصویب كنیم در همینجا دوسه ماده هست كه بنده می بینم بهیچ در نظر گرفته نشده است و مثل این است كه بكلی فراموش شده است و آن اصل صد و يك و صد و دو و صد و سه متمم قانون اساسی است كه راجع بدیوان معاسبات تكلیفی معین کرده است بقدری مسئله مالیه را قانون اساسی و دوره های قبل اهمیت داده اند كه در خود قانون اساسی مواد و اصول زیادی نوشته اند برای اینکه مجلس را موظف كنند كه در امور مالی بیشتر دقت كنند :

بنده می بینم همه اینها فراموش شده است قانون دیوان معاسبات و معاسبات عمومی گویا از قوانین فراموش شده باشد در صورتیكه بنده مراجعه كردم و دیدم یکی از بهترین قوانین ادوار سابقه است بنده نظرم نیست .

در دوره چهارم اغلب از آقایان نمایندگان همینجا فریاد میزدند كه دولت يك لوايح و اوراقی میآورد و يك قدری از آن در كمیسیون كم میشود و تصویب میشود بدون اینکه تعدیل بودجه را در نظر داشته باشند مجلس هم چون میدید در كمیسیون كم شده بالاخره تصویب میکرد آخر باید فهمید كه ما چه داریم بعد بودجه تصویب كنیم اگر سایر مخارج مملكتی را حساب كنیم شاید بودجه دربار بیش از اینها بشود البته مملكت مشروطه است اساس سلطنت باید باشكوه باشد خوب باشد اما در صورتیكه پول داشته باشیم وقتی كه داشته باشیم همانطور كه از سایر مخارج میكاهیم از آنها باید بکاهیم حالانده باز از ترس اینکه از موضوع خارج نشوم يك یادداشت هائی کرده بودم كه بچه نحو این بولها جمع می شود ولی از آنها صرف نظر

میکنم برای اطاعت او امر آقای رئیس . . .
 قانون محاسبات عمومی را بنده نمیتوانم
 ازش صرف نظر کنم چون بعینه بنده یکی
 از بهترین قوانین است چندانکه اش را هم
 بنده یاد داشت کرده ام که عرض آقایان
 نمایندگان میرسانم
 در ماده دوازده قانون محاسبات عمومی
 مینویسد جز مالیاتهایی که بموجب قانون
 سالیانه بودجه تصویب می شود اخذ هر گونه
 مالیات دولتی (دیگر اینچا بودجه را عبارت
 از مالیات و مخارج هر دو دانسته است که ما
 فقط خرجش را حساب میکنیم و مالیات را جز
 بودجه حساب نمیکنیم) به رسم و رسم که
 باشد ممنوع است .
 عمالی که امر باخذ این قبیل مالیاتهای
 ممنوعه بدهند و اشخاصیکه فهرست و تعرفه
 و اسناد آنرا بسازد و کسانی که متصدی وصول
 آن بشوند در شماره سارقین اموال دولت
 محسوب شده و از طرف دولت قانوناً تعقیب و
 مجازات خواهند شد
 رئیسالتجار - مربوط بودجه دربار
 نیست .
 شیروانی - چرا مربوط است اجازه
 بدهید بنده عرضم را بکنم بعد اگر
 فرمایش دارید بفرمائید بنده این ماده از
 قانونرا خواندم حالا آقایان توجه بفرمایند
 که در مملکت چه خبر است و آنگاه هم که
 متصدی این امورند چه می کنند : در ماده
 چهارم قانون
 محاسبات عمومی مینویسد وزراء در آخر
 هر سنه مالبه حسابهای خود را مطابق
 مواد ذیل بطبع رسانند بنمایندگان توزیع
 و در خارج منتشر نمایند:
 ۱- حساب مخارج
 ۲- حساب عایدات
 ۳- محاسبات کل مالیه گویا این دیگر
 مربوط بودجه سلطنتی نباشد باید وزراء
 در آخر هر سال محاسبات کل مالیه مملکت
 را بدهند حساب عایدات را قبلاً بفهمیم
 مخارج را هم باید بفهمیم و بینیم که در
 سال قبل چه شده لایحه تفریح بودجه را باید
 بموجب قانون ملاحظه کنیم آنوقت در
 نانی يك بودجه دیگر را شروع کنیم و
 بنویسیم و بالاخره بودجه سال قبل را با
 بودجه سال بعد تطبیق کنیم بینیم عایدات
 و مخارج مملکت چه بوده این قانون را
 که خود آقایان مرقوم فرموده اند آقای
 رئیسالتجار هم که یکی از تصویب کنند
 گان آن بوده اند:
 اگر ما بودجه و امور مالیه را با اینها
 تطبیق نکنیم در واقع این قوانین را زیر
 پا گذاشته ایم
 در ماده ۴۲ مینویسد:
 در اول هر سال هر يك از وزرا بصورتی
 از مخارج دوره عمل منقضیه وزارتخانه خود
 ترتیب میدهند این حساب شامل کافه عملیاتی
 خواهد بود که از افتتاح تا اختتام دوره
 عمل آنهاست و مطالب ذیل در آن مندرج

خواهد بود;
 ۱- اعتبارات معینه
 ۲- مخارجیکه از باب حقوق دائنین
 دولت موقع خرج پیدا کرده است .
 ۳- وجوهی که بموجب حواله پرداخته
 شده است .
 ۴- تنه مخارج که باید پرداخته
 شود .
 ۵- فاضل اعتبارات بر مخارج
 ۶- اعتباریکه کل یا جزء آن مصرف
 نشده و باید برگشت و با سال بعد منتقل
 شود مطابق ماده (۵)
 ۷- مقایسه مخارج مشروحه در فصول
 و مواد بودجه ۷ دوره قبل از آن تعیین
 اختلاف یا ذکر سبب آن .
 ۸- اعتبارات قطعی دوره عمل اینها يك
 مسائلی است که ما قبل از آنکه در بودجه
 نظر کنیم باید در آنها دقت کنیم و اینها
 از وظائف اولیه مجلس و کمیسیون بودجه
 است:
 اگر اینها حقاً قانونست مجلس که
 مقنن آن بوده موظف است که بآن
 عمل کند و باید اول این قوانین را در نظر
 بگیرد و بعد بر دزد بيك لایحه چهارصد
 هزار تومانی ورأی بدهد:
 ماده ۴۳ میگوید:
 حساب های دوره عمل وزراء باید بيك
 نبط و از روی يك قاعده ترتیب شده و عین
 تقسیمات فصول و مواد بودجه را بنمایند بنده
 اطلاع ندارم که در تمام بودجه های وزراء
 که بودجه دربار هم یکی از آنها است
 (البته در بار هم بيك وزارتخانه خیلی مهمی
 است) رعایت این نکته شده باشد بنده فقط
 يك ماده واحده بینیم که بمانیگوید ۴۰۰
 هزار تومان باید تصویب کنید این بودجه
 نیست يك حواله است و يك تصویب نامه ایست
 مثل تصویب نامه های معمولی
 و بودجه نیست عرض کردم بودجه دوستون
 دارد دخل مملکت خرج مملکت حالا
 بودجه خرج یکی یکی میآید اما بودجه
 جمع معلوم نیست بودجه یعنی چه ؟ اگر
 بطور کلی يك ماده خرجی را بیاورند اسمش
 را نمیشود بودجه گذاشت بودجه باید جزء
 بجزء داده شود
 بنده باید بفهمم این پول بکی داده می
 شود در بیرون آقایان میفرمودند که بعضی
 فقراء و اشخاص مستحق داده میشود بنده
 کاملاً موافقم بآن پیشخدمتها و اجزاء قدیم
 درباری متوفها که چهل پنجاه سال است
 باین اساس مقدس خدمت کرده اند کاملاً موافقم
 و اگر حق داشتم اضافه هم پیشنهاد میکردم
 اما باید معلوم شود که این اشخاص کی
 هستند البته آن اشخاص که استحقاق داشته
 باشند نه بنده بلکه تمام آقایان نمایندگان
 موافقت که بآنها داده شود
 چون این مملکت تقریباً دارالعجزه

است اما باید مستحق داده شود ولی من
 نمیدانم بکی میدهند مستحق است یا نه ؟ کار
 میکند یا نه ؟ اسمش چیست ؟ بنده هیچ این
 هارا اطلاع ندارم
 اما سایر بودجه ها مثلاً بودجه معارف
 اگر بیاید کمیسیون بودجه هر ثباتی رامی
 بینم رتبه و رسم و اسم فامیلی و نژاد و پدر و
 جد و همه چیزش را باید مطلع شوند والا
 تصویب نمیکند اما اینجا يك مرتبه چهار
 صد هزار تومان تصویب می کنیم بعد هم
 می گویند يك عده اشخاص فقیر از
 این پول ارتزاق میکنند مال البته قسم خورده
 ایم که با اساس سلطنت خیانت نکنیم و
 مملکت ما هم مملکت مشروطه است یکی از
 ارکان مشروطیت هم اساس سلطنت است
 و باید اساس سلطنت را اهمیت داد بنده هم
 یکی از آن اشخاصی هستم که قسم خورده
 ام و با اساس سلطنت اهمیت میدهم ولی اساس
 سلطنت عبارت از یک نفر است که مالک قلم
 بودجه بنویسیم و اساس سلطنت عبارت از
 دربار سلطنتی است و باید صورت جزء این
 بودجه به مجلس بیاید و بفهمیم که اساس
 سلطنت را کی ها تشکیل میدهند و بما
 معرفی کنند
 البته اساس سلطنت هم بيك حقوقی لازم
 دارد ولی پس از آنکه بودجه کل مملکت
 آمد ما باید به بینیم برای اساس معارف
 اساس راهها چیزی منظور شده است یا نه
 آیا برای نیم فرسخ راه آهن يك بودجه
 بیش بینی شده یا خیر
 آنوقت برای اساس سلطنت هم يك
 چیزی منظور کنیم و بنده هر چه فکر کردم
 غیر از تجمل ولو کس يك کلمه باشکوه تر
 پیدا کنم
 البته تجملی است و باید هم باشد يك
 نکته را باید عرض کنم که همیشه حقوق در
 برابر انجام وظیفه و خدمت داده میشود
 هر کس در حدود خودش بيك وظائفی دارد
 که باید بآن عمل کند وظیفه ثبات این
 است که در روز سیصد و چهارصد مینوت را
 ثبت کند و در مقابل ماهی سی و دو تومان
 بگیرد
 يك کسی هم مقام شامخی دارد و باید
 يك امضاء بکند و چهار صد هزار تومان بگیرد
 بنده حرفی ندارم .
 ولی آن حقوقیکه ملت میدهد باید
 طرف هم در مقابل برای انجام وظیفه
 حاضر باشد .
 در قانون اساسی يك تکالیفی معین
 شده است که بنده اینجا برای جلب توجه
 آقایان نمایندگان میخوانم و آن اصل یازدهم
 است که مینویسد:
 مجلس شورای ملی حق دارد در عموم
 مسائل آنچه را صلاح مملکت و ملت میدانند پس
 از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی
 عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در حال

امنیت و اطمینان بانصوب مجلس سنا
 بتوسط شخص اول دولت به مرض برساند که
 بصره همایونی موشع و موشع اجرا گذارده
 شود .
 صحنه همایونی را البته آقایان میدانند
 و لازم نیست بنده ترجمه کنم یکی از کارهای
 مهم مملکتی صحنه همایونیست و اصل یازدهم
 قانون اساسی هم آنرا معین میکند بنده هم
 غیر از این حرفی نمیزنم همینطور اصل هفدهم
 میگوید:
 لوائح لازمه را در ایجاد قانونی یا
 تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس
 شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که
 با تصویب مجلس سنا بصره همایونی رسانیده
 بموقع اجرا گذارده شود قبلاً مینویسد باید
 بصره همایونی برسد بعد بموقع اجرا گذاشته
 شود .
 بنده که آن امضاء کنند را در اینجا
 نمی بینم که وظیفه خودش را در مقابل چنین
 بودجه انجام دهد:
 اصل هفتم متمم قانون اساسی هم
 میگوید:
 اصل مشروطیت جزو کلا تعطیل بر-
 دار نیست . بسیار خوب من هم قبول دارم
 ولی در همین قانون اساس مشروطیت را
 هم تقسیم میکنند در اصل بیست و هفتم
 مینویسد قوای مملکت سه شعبه تجزیه
 میشود یکی قوه اجرائیه یکی قوه قضائیه
 یکی قوه مقننه بعد مینویسد : سیم قوه
 اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی
 قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین
 دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا
 میشود بترتیبی که قانون معین میکند :
 اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست یعنی
 وزرا نباید تعطیل کنند مجلس هم نباید
 تعطیل شود امورات پارلمانی نباید معطل
 بماند اینها تمام جزو اساس مشروطیت است
 ولی بنده امروز می بینم که بیش از یکسال
 است يك جزء اساس مشروطیت تعطیل
 چون قوانین بصره اعلیحضرت همایونی
 نرسیده بنده بیست تاسی تاماده از قوانین
 پیدا کرده ام که اگر بخوایم یکی یکی
 را بخوانم اسباب تصدیق آقایان میشود
 که در تمام آنها نوشته شده باید بصره
 اعلیحضرت همایونی برسد و تا دوره چهارم
 هم در قوانین معمول بوده است باید هم
 باشد چون بموجب قانون اساسی مشروطیت
 تعطیل بردار نیست ولی حالا تعطیل شده
 است برای اینکه آنکس که باید این
 قوانین را امضاء کند اینجاست .
 آقا سید یعقوب - خیلی دلت میسوزد
 شیروانی - البته بنده طرفدارم و وکیل
 مشروطه هستم چرا دلم نسوزد؛ در اصل
 سی و پنجم باز مینویسد سلطنت و دیده ایست
 که بموهبت اهالی از طرف ملت بشخص
 پادشاه مفوض شده ما هم مفوض کردیم یعنی
 ملت مفوض کرده است ولی حالا چه

عرض کنم که آیا این ودیعه درست حفظ شده است یا خیر این وظیفه خود آقایان است...

رئیس - در بودجه مذاکره کنید شیروانی - موافقت یا مخالفت با بودجه یک دلالی می خواهد بنده هم که مخالفم باید دلائلم را عرض کنم : بنده میگویم در قانون اساسی نوشته شده که اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست یک جزئی هم اعلیحضرت هایونی هستند و اینجا تشریف ندارند این حقوق هم در مقابل انجام وظیفه داده میشود شما یک ثباتی که انجام وظیفه اش را نکنند فوراً خارج میکنند در قانون استخدام هم آن مواد طولانی را مرقوم فرموده اید و اگر یکی یکساعت از وقتش دیر بیاید مواخذه می- کنید مملکت ما هم مشروط است و اساسش نباید تعطیل بشود ولی حالا یک جزئی تعطیل شده است

(همه همین نمایندگان) شیروانی - اجازه بفرمائید دیگر اینکه اینجا گفتگوهای راجع بقسم بود البته همه میدانند که ما قسم خورده ایم در قانون اساسی هم یک ماده راجع بقسم هست و آن اصل سی و نهم است کمی گوید هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از تاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید :

من خداوندگارم و متال را گواه گرفته بکلام الله مجید بآنچه نزدیک خدا محترم است قسم یاد میکنم تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را معفو و معروس بدارم الی آخر . قضاوت این راهم بنظر مبارک آقایان نمایندگان را گذارم میگویم که بالاخره آیا باین قسم عمل شده است یا خیر ؟

شاید از موضوع هم خارج است یکی دیگر از وظائف اعلیحضرت هایونی که قانون اساسی معین میکند اصل چهارم و ششم است مینویسد عزل و نصب وزراء بموجب فرمان هایونی باشد است.

در اصل چهارم و ششم میگوید : انتخاب مأمورین رئیس دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه نیست مگر در موافقی که قانون استثناء نموده باشد.

ولی تعیین سایر مأمورین راجع بیادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح میکند اینهم یکی از کارهای بزرگ اعلیحضرت هایونی است مواد دیگر هم خیلی هست وظائف هم خیلی معین شده که البته حقوق هم در مقابل وظائف باید داده شود .

ولی ما وقتی میتوانیم حقوق بدیم که در مقابل انجام وظیفه ببینیم اینهم حق مخصوص مجلس شورای ملی است و هیچ کس غیر از مجلس حق ندارد که اخذ مالیات یا پرداخت حقوقی را معین نماید این از مختصات مجلس شورای ملی است پس کسیکه در مقابل انجام وظیفه اش تکامل کرد یا مایلش نکشید یا نکرده او نباید حقوق داد.

یکی از ارکان بودجه وجود اعلیحضرت هایونی است که باید تشریف داشته باشند چون در قانون محاسبات عمومی معین میکنند که بودجه مملکتی را شاه باید قبلاً تعیین و تصویب کند.

رئیس التجار - خیر اینطور نیست این حقوق مخصوص مجلس شورای ملی است.

شیروانی - چرا اجازه بفرمائید بخوانیم : ماده چهارم نهم قانون محاسبات عمومی مینویسد وزیر مالیه در آخر هر سال باید تشکیل یک کمیسیون دوازده نفری که مرکب خواهد بود از شش نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی سه نفر از سنا و سه نفر از دیوان محاسبات از حضور هایونی استندما نمایند تکلیف کمیسیون مزبور بقرار ذیل است . الی آخر . شاید قانون محاسبات عمومی جز قوانین فراموش شده باشد خیلی خوب حالا میخواهم داخل در بودجه شویم و بودجه را تصویب کنیم در این لایحه مینویسد :

ماده واحده مجلس شورای ملی وزارت مالیه اجازه میدهد مبلغ چهار صد و هشت هزار تومان از بابت بودجه دربار سلطنتی و حقوق ولایت عهد و مبلغ چهار صد و هشتاد و هفت هزار تومان از بابت بودجه کابینه سلطنتی بابت هدهد السنه سیچان ۱۳۰۳ پرداخت نماید ، مفرمائید بودجه دربار مطرح است ؛ اینکه بود چه نیست این فقط يك اجازه است که میخواهند از مجلس شورای ملی بگیرند تا وزارت مالیه چهار صد و هشت هزار تومان بدهد بدربار سلطنتی البته یکی هم میاید و یک قبض رسیدی میدهد و یک بولی میگیرد در هر صورت این بودجه نیست این قانونی که بآقایان محترم آرامه امد و تکلیف بزرگی که برای مجلس شورای ملی معین شده و بنده قرائت کردم اگر آنها را در نظر بگیریم اسم این لایحه را نمیشود بودجه گذاشت بنده قبلاً باید بفهم بودجه دربار چه چیز است صورت جزئی را ببینیم که یکی داده میشود چه مبلغ داده میشود آنهایی که میگیرند در مقابل انجام وظیفه میکنند یا نمیکند همانطور که یک ثبات اگر انجام وظیفه نکند از اداره بیرون میکند .

همانطور هم آنکسیکه این حقوق باو

داده میشود اگر انجام وظیفه نمیکند باید برود بنا بر این بنده اولاً از کمیسیون محترم تقاضا میکنم که صورت جزء این بودجه را بنظر مجلس برسانند که این حقوق بچه اشخاص داده میشود ثانیاً در قسمت حقوق والا حضرت که اینجا تشریف دارند و مشغول انجام وظیفه هستند همینطور کابینه سلطنتی که مشغول کار است این دو قسمت را تجزیه نمایند .

البته اینها هم حقوق میخواهند ولی راجع باعلیحضرت هایون باشد تا هر وقت که تشریف آوردند در مملکت خودشان و وظائف خودشان را انجام دادند البته ملت هم بایشان حقوق خواهد داد والا ما نمیتوانیم یک شخصی که در پاریس است و مشهور به پرنس است باین اسمها حقوق بدیم و مجلس نمیتواند باشخص غیر معلوم حقوق بدهد و بنده مخالف هستم

مخبر - قسمت عمده اظهارات آقای شیروانی بیشتر شبیه بکنفرانس بود و هیچ مخالفت و موافقت با بودجه نفرمودند باین جهت بنده چون نمیخواهم وقت مجلس را تبذیر کنم داخل در جواب اظهارات ایشان نمیشوم یعنی وظیفه بنده امرض آقایان آنچه وظیفه بنده است برض آقایان میرسانم اول فرمودند در قانون اساسی مشخص نشده است که مجلس راجع بودجه دربار نظری بکننده تصور میکنم همچو چیزی نیست برای اینکه مجلس حق دارد در کلیه جمع و خرج مملکت مداخله کند و هیچ مربوط بودجه دربار سلطنتی نیست در قسمت ثانی اظهاراتشان فرمودند که بنده اینجا اظهاراتم را تردید نکردم شما بنده اظهاراتم را تردید نکردم شما فرمودید معادلده میلیون وعایدات دوسال نفت را گرفته اند .

بنده آن روز تکذیب کردم حالا هم تکذیب میکنم مطابق صورتیکه بکمیسیون بودجه دادند فقط ششصد و چهل هزار لیره بطور آوانس گرفته اند و اینکه فرمودند بدون اطلاع مجلس حق ندارند بنده تصور میکنم وزارت مالیه تا این اندازه حق داشته باشد که یک بولی از یک مجلس بعنوان مساعده دریافت کند و بصرف مخارج معوقه برساند بعد از محل خودش بگیرد و بپردازد جای دیگر ایشان فرمودند که در قانون اساسی تصریح ندارد که مجلس نظارت در خرج داشته باشد و هر چه راجع بجمع است باید تصویب کند .

شیروانی - بنده همچو چیزی عرض نکردم .

مخبر - شاید از زیادتان رفته باشد چون از روی یادداشت میفرمودید ممکن است فراموش کرده باشید ؛ جای دیگر فرمودند چون از سایر مخارج میکاهیم از بودجه

در بار سلطنتی هم باید بکاهیم اگر راپورن را ملاحظه بفرمائید خواهند دید که ماهی شانزده هزار تومان از بودجه اعلیحضرت هایونی و دربار سلطنتی کسر شده همچنین ماهی چهار هزار تومان و کسری از بودجه والا حضرت تصور میکنم اگر نسبت بدهند بهر يك از بودجه ها بودجه دربار والا حضرت از سایرین بیشتر کم شده است ؛ بعضی از نمایندگان (صحیح است) چنانچه ملاحظه میفرمائید و باز فرمودند که بودجه عبارتست از مالیات و خرج ؛ در صورتیکه لغت بودجه یعنی جمع و خرج و هر جا گفته میشود بودجه مقصود جمع و خرج است و دیگر لازم نیست بگویند جمع و خرج يك قسمت هم راجع بقانون محاسبات عمومی فرمودند که هر کس مالیات های غیرقانونی را بگیرد در حکم سارق است ؛ این مجلس و کمیسیون بودجه و بنده هم تصدیق میکنم اما در ضمن فرمودند که بهیچین در این مملکت چه خبر است و حال آنهاست که متصدی امورند معلوم است این وظیفه من نیست جواب عرض کنم هر وقت میل دارید از اشخاصی که متصدی اینکار ها هستند استیضاح کنید يك قسمت راجع بعایدات کل مملکت فرمودند این مربوط بقانون تفریق بودجه است و قانون تفریق بودجه سنوات گذشته که کمیسیون بودجه نرسیده مال سال گذشته هم هنوز دیر نشده است بلکه اگر بتوانند تا آخر سنه سیچان میل هم لایحه تفریق بودجه سال قبل را بدهند باز دیر نشده است و خیلی فعالیت بخرج داده اند حتی در آن مملکت که پانصد ششصد سال است مالیه شان مرتب است نمیتوانند تفریق بودجه سال قبلشان را سه ماه از سال بعد گذشته بدهند ؛ يك قسمت دیگر فرمودند که در آخر هر سال وزراء باید صورت مخارج را معین کنند راجع باین قسمت عرضی ندارم زیرا صریح ماده قانون است اما اینکه فرمودند بودجه جزء دربار سلطنتی نوشته نشده هیچوقت معمول نموده است که مجلس بودجه جزء دربار را مراجعه کند و تقریباً حسب المقاطعه يك مبلغی می داند اعضاء دربار هم هیچیک مشمول قانون استخدام نیستند .

آن تاثیر که میفرمائید سی و دو تومان حقوق دارد آن شخص مشمول قانون استخدام است

ولی اعضاء دربار نوکر شخصی اعلیحضرت هستند

مهمذا خود کمیسیون دقت کامل در این باب کرده و صورت جزء آنها را در کمیسیون بودجه و در جیب بنده حاضر است ولی قرائتش را بنده بدون اجازه کمیسیون یا رأی مجلس مقضی نمیدانم و برای اطلاع هم عرض میکنم که در آنصورت حقوق اعلیحضرت و دربار سلطنتی ماهیانه چهل هزار تومان بوده

است و از این مبلغی که کمیسیون معین کرده است بعد از وضع حقوقیکه اعلیحضرت هایونی می گرفته اند باز هم يك مبلغ کسر شده است و تصور میکنم از این بابت چیزی بایشان برسد .

يك اظهاری هم فرمودند که این پولها در مقابل خدمت داده میشود و چون اعلیحضرت تشریف ندارند نباید داده شود بنده در این خصوص نمیتوانم اظهار عقیده بکنم .

ولی چون فرمودند این يك مخارج لوکس است بنده این را لوکس نمیدانم زیرا تصدیق خودتان سلطنت یکی از قوای ثلاثه مملکت است

بنابراین باید حقوق داشته باشد و تصور میکنم لوکس باشد ؛

راجع بارکان مشروطیت هم چون خیلی تکرار فرمودید خواستم تذکر بدهم که یکبار از آنها هم مجلس سنا است رئیس - آقای طهرانی (اجازه) آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده وارد در مواد قانونی نمیشوم البته سه قوه که حکومت ملی را تشکیل می دهد هر کدام يك وظائف خاصی دارند یکی از وظائف خاصه مجلس شورای ملی نظارت در بودجه مملکت است

بودجه مملکت هم شامل بودجه دربار سلطنتی و ادارات دولتی و مجلس شورای ملی است

ما و هر ملتی در هر دوره از ادوار يك ریاست فائمه داشته ایم و داریم و دارند .

ریاست فائمه مملکت ما البته با اعلیحضرت هایونی است تشریفات مطلقه بشخص سلطنت یا ریاست هر دولتی هم از وظائف خاصه اینملت است برای حفظ احترام و شئون ملی خودش در این هم شبهه نیست ،

در صدر حکومت اسلام ریاست فائمه اش يك کیفیت خاصی داشت که اگر حساب کنیم در سال سیصد تومان بیشتر خرجش نبود بعد يك صورتهای دیگری پیدا کرد

در دوره استبداد چون تمام قوای مملکت در شخص اعلیحضرت هایونی ثابت بود مالیه هم در تحت نظرايشان بود هر قدر مقتضی میدانستند برای خودشان تهیه بودجه میکردند

اما امروز هم چنان که ملت متوجه مجلس شورای ملی است متوجه بهیأت وزراء است و بمقامات عالیه هم که عبارت از مقام سلطنت است متوجه است ؛

بالاخره ما وارد شدیم در يك مرحله دیگر و رژیم مانتیپیر کرد ؛ از سلطنت استبداد بسلطنت مشروطه آمدیم .

يك بام و دو هوا هم بنده تصور میکنم شد یکوضع و ضمیات در هر درباری قدیم يك وضع و ضمیات دربار امروزه ما باید دربارمان را مقایسه کنیم با دربارهای همه دنیا و بهیچین وضعیات دربارهای سلطنتی دنیا باریاست جمهوری آنها چطور است و بچه تناسب برای دربار و معارف و نظام و داخله و سایر وزارتخانههاشان بودجه معین میکنند ما هم از روی همان تناسب معین کنیم تا در زمره ملل حیه معرفی شده باشیم و باید روی همان تناسب معین شده بودجه بنمائیم .

آقایان يك ماده واحده چهار صد هزار تومانی بمجلس پیشنهاد میکنند آخر دربار هم اهمیت دارد و کمتر از يك وزارت خانه نیست و باید مثل سایر وزارتخانهها بودجه جزئی بمجلس بیاید ؛ وزارت دربار خیلی مهم است و باید سرمایه ملی ما را که عبارت از جواهرات مملکتی است و خون بهای ملت است حفظ کند اشیاء عتیقه را حفظ کند ؛ کتابخانه مرا حفظ کند . (نمایندگان) (بطور همه) این طور نیست - خارج از موضوع است طهرانی - بطور اجمال عرض میکنم ما این پولها که بدربار میدهم باید بفهمیم تشریفاتیکه از برای مقامات عالیه مملکتی هست چیست ؟

ما یک مؤسسات دولتی داریم يك مؤسسات سلطنتی قصور سلطنتی را ملاحظه میکنیم ببینیم تمام مغز و به شده عوائد هم دارد و باید معلوم شود که چه میشود این پولها که ما میدهم فقط برای حفظ شئون مقام سلطنتی است یعنی مقام عالیه ملت ایران ؛

ولی باید بهمان تناسب که سایر ملل ؛ ملل حیه ؛ ملی که حکومت ملی دارند بودجه معین میکنند ما هم همانطور معین کنیم دیگر اینکه اشخاص را ما میخواهیم ببینیم کی هستند ما باید ببینیم این بولی که ملت میدهد از برای حفظ شئون و تشریفات مقامات مالیه خودش آیا آن تشریفات تا چه حد است آنوقت شاید بیشتر بدهیم شاید کمتر بدهیم نه اینکه صورتاً يك بودجه مجملی را تقدیم کنیم باعلیحضرت هایونی یعنی ملت تقدیم کنید البته ما تشریفات سلطنتی ما را باید محفوظ بداریم اما صورتاً نباید يك شکلی باشد که این تشریفات برای ملت نباشد ؛ بنا بر این باید دوائر مربوط بدربار معلوم باشد ولو اشخاص معلوم نباشد ما هم باشخاص کار نداریم که کی هستند ولی اینجاست بقول یکی از رفقا دارالعجزه نیست ؛

مالیاتیکه از ملت گرفته میشود باید صرف ملت و شئون ملی بشود یکی از شئون ملی هم دربار سلطنتی است .

آقای مخبر میفرماید سابقه ندارد

که بودجه جزع دربار بمجلس بیاید خیالاً چیزها سابقه ندارد مشروطیت هم سابقه ندارد تفکیک وزراء هم سابقه ندارد پس بنا بر این باید سیر قهرقائی بکنیم ویر کردیم باستبداد این شکل که نمیشود ؛

وقتی ما قدم گذاشتیم در مرحله تجدید باید همه چیزمان صورت تجدید پیدا کند والا با این کیفیت بنده چطور میتوانم رأی بدهم چهار صد هزار تومان یا بیشتر یا کمتر در مقدارش گفتگو ندارم (پیردازند بنده در مسئله تشریفات و شئون ملی صرف دارم و باید دید ملت که این اندازه پول میدهد چه اندازه تشریفات برایش هست و تکیه بکنفران سرفرازان یا ده نفر در دربار وارد شدند آن تشریفات که ملت ایران لازم میداند بعمل میآید یا نه ؟ بنظر خفت مینگرند یا نمینگرند از این جهت بنده مخالفم و باید صورت جزء بودجه دربار معلوم شود تنها فرقی که دارد این است که وزیر دربار مسئول شخص اعلیحضرت هایونی است ولی سایر وزراء مسئول مجلس شورای ملن هستند ؛

در هر صورت ما نمیتوانیم بگوئیم سابقه ندارد آیا باید ماهر چیزی که از سابق بود ادامه بدهیم و بگوئیم معمول نموده ؟ اگر اینطور است پس باید هیچ پایدانه ترقی نگذاریم بنا بر این بنده مخالف هستم .

رئیس هیئتنهادی از طرف آقای شیروانی رسیده است قرائت میشود (بشرح آتی خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم ؛ که بودجه دربار سلطنتی بکمیسیون عودت داده شود و پرداخت آنها موقتاً توقیف گردد تا بودجه کل مملکتی حاضر و تمدیلی در بودجهها بعمل آمده و بودجه دربار هم تنظیم و بتصویب مجلس برسد .

رئیس توضیحی دارید .

شیروانی همانطور که عرض کردم باید صورت جزو این بودجه را بدانیم و مجلس شورای ملی باید مطلع شود که این مبلغ بچه مصرف میرسد اسامی اشخاص را هم اگر آقای مخبر مقتضی نمی دانند بنده مقتضی میدانم که در مجلس قرائت شود تا ملت بفهمد که بچه اشخاص پول میدهند

بنا بر این بنده تقاضا کردم که این بودجه عودت داده شود بکمیسیون پرداختش هم موقتاً توقیف شود تا بودجه کل مملکتی حاضر شود صورت جزئی هم تادوسه روز دیگر تهیه شود بعد مجدداً بیاورند به مجلس

رئیس - آقای سلیمان میرزا فرمایشی دارید ؟

سلیمان میرزا - بلی اینکه آقای شیروانی میفرماید مراجعه شود بکمیسیون تا صورت جزء آن حاضر شود گویا فراموش فرموده باشند که آقای مخبر کمیسیون اظهار کردند صورت جزء آن حاضر است بنا بر این اگر ترتیب بخواهید بودجهها بر گردد بکمیسیون و دوباره بیاید بمجلس اسباب معطلی خواهد بود بودجهها نخواهد گذشت و کمیسیون هم تقریباً دوست هزار تومان و کسری از بودجه دربار کم کرده است و بیشتر از اینهم کسر نخواهد کرد و خوب است زودتر رأی داده شود تا حساب آن يك دوازدهم هائیر اهرم که رأی داده ایم زودتر روشن شود و اگر تفاوتی دارد کسر شود ؛

بنا بر این اگر زودتر رأی گرفته شود بهتر است رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای شیروانی .

آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند) رئیس - تصویب نشد ؛ آقای رئیس التجار موافقید ؟

رئیس التجار - بلی رئیس - بفرمائید رئیس التجار - بودجه دربار سلطنتی در مجلس اول قریب ششصد هزار تومان و کسری بود در مجلس دوم صورت جزء آنرا خواستند بایک دقت و بیچیدگهائیکه از طرفین یعنی دربار و مجلس شد بالاخره گویا بچهار صد و هشتاد هزار تومان قرار داد شد این ماهی چهل هزار تومان بود تا ریاست وزرائی سید ضیاء واو ماهی ده هزار تومان کسر کرده و شده بود ماهی ۳۰ هزار تومان در دوره چهارم که بنده هم یکی از اعضاء کمیسیون بودجه بودم آوردند بمجلس و کمیسیون همان ماهی ۳۰ هزار تومان را تصویب کرد حضرت والا هم در فرهنگ تشریف داشتند بودجه ایشان هم چهار صد هزار تومان و کسری نقد و مقداری جنس بود چهار هزار تومان و کسری آنرا کمیسیون کم کرده ماهی ده هزار تومان اول دوره چهارم هم همین طور معمول بود آنوقت هم آقای مشار الملک وزیر دربار بودند و با این ماهی ۳۰ هزار تومان دربار را بخوبی اداره میکردند و ماهی ۳۰ هزار تومان هم باعلیحضرت صرف

جیب میدادند البته دربار را نمیشود حقوق نداد دربار متعلق بملک است و مادامیکه شاه هست دربار هم لازمست حالا شاه بوظائفش عمل بکنند یا نکنند آن خارج از موضوع است ولی عقیده بنده دربار برای مملکت لازمست و باید باشد اجزای مخصوص هم دارد ربطی بشخص اعلیحضرت ندارد بالاخره والا حضرت وقتی مسوق شدند در یارس بودند و یک تلگرافی بتوسط حضرت آقای رئیس به مجلس کردند که من باین ده هزار تومان نمیتوانم و خواهش کردند که مجلس تجدید نظری کند.

کمیسرین بودجه که بنده هم یکی از آنها بودم در این باب راجع بتکافو کردن ده هزار تومان مذاکرات مفصلی کردم و بالاخره گفتند بیشتر داده نمیشود مبنی بر هم شد تا اواخر سال دوم مجلس چهارم که آقای قوام السلطنه يك پیشنهادهای تهیه کرده بودند و تصادف کرد با ریاست وزرائی آقای مستوفی الممالک و ایشان آن پیشنهاد را آوردند بمجلس که یکی از آنها این بود ماهی ده هزار تومان علاوه بر ۳۰ هزار تومان بدربار سلطنتی داده شود ماهی چهار هزار تومان علاوه بر ده هزار تومان مصوبه برای والا حضرت و تصویب بکنیم با آنکه بنده آنوقت از موافقت دولت بودم کمیسیون هم تصویب کرده بود معذک مخالفت کردم چون معتقد بودم که برای دربار سی هزار تومان کافیست و هر گاه کافی هم نباشد آن سال را نباید پرداخت و بتوسط آقای قوام الدوله در سر سرای مجلس بحضرت اشرف آقای مستوفی الممالک پیغام دادم که بنده با این پیشنهاد مخالفم و همان ۳۰ هزار تومان کافیست ایشان هم در تعقیب عرایض بنده آنروز را خواهش کردند که از دستور خارج شود تا در آن تجدید نظری بشود ولی مجلس مخالفت کرد و آقایان نمایندگان فرمودند موافقتی همان چهل هزار تومان را تصویب کردند راجع بحقوق والا حضرت هم بنده در کمیسیون خیلی جدیت کردم که اضافه نشود و همان ده هزار تومان را کافی میدانستم حتی نمایانم بچه وسیله بوالا حضرت خبر رسیده بود و بنده را احضار کردند و فرمودند مگر تو مخالف هستی بنده عرض کردم صلاح شخص اعلیحضرت و والا حضرت را در این موقع اینطور میدانم که بیش از این چیزی داده نشود.

بالاخره ماهی چهل هزار تومان از اعلیحضرت و چهارده هزار و بانصد تومان والا حضرت تصویب داده شد این دوره هم که بودجه دربار بکمیسیون بودجه آمد بنده با همان ۳۰ هزار تومان موافق

بودم که بدربار داده شود ولی آقای شیخ العرافین زاده بیست و چهار هزار تومان پیشنهاد کرد و تصویب و داده شد .

بودجه والا حضرت هم همان ده هزار تومان تصویب شد و همینطور هم بمجلس پیشنهاد شد اما اینکه ناطق مخترم آقای شیروانی فرمودند که باید بودجه جزء در بار داده شود این اصل راجع بدربار نیست وزیر دربار مسئول مجلس نیست فقط مسئول شخص اعلیحضرتست و آنچه هم که داده میشود راجع بصورت مخارج است که قبلاً در کمیسیون داده شد حالا هم آقای مخبر فرمودند که نیست در آن صورت ماهی ۳ هزار تومان برای صرف جیب اعلیحضرت معین شده بود که آنهم امروز کسر شده است و ۳ هزار تومان هم از اصل بودجه کم شده و ماهی بیست و چهار هزار تومان شد و سایر ترتیبات آن با و آنرا بنده نمیتوانم عرض کنم و باید در اصل بودجه که بیست و چهار هزار تومانست خودشان يك ترتیبی بدهند چون معادل شش هزار تومان کسر شد و اگر اعلیحضرت هم صرف جیب بگیرند باید آن مبلغ ۳ هزار تومان دیگر هم بسایر حقوق دربار سرشکنی بشود خلاصه تا وقتیکه ما معتقد باشیم مملکت در بار لازم دارد حقوق هم باید داده شود و بنده این بیست و چهار هزار تومان هم زیاد میدانم و همچنین اشخاصی هم که در مقابل تصور میکنند برای والا حضرت ده هزار تومان کم است بنده کافی میدانم زیرا اعضاء دستگاه والا حضرت همان اعضاء دستگاه سلطنتی هستند اعضاء سلطنتی که در دربار هستند همه یکی هستند و فرقی ندارد اعلیحضرت تشریف دارند در خدمت ایشان هستند وقتی تشریف ندارند در خدمت والا حضرت هستند و بعقیده بنده آنچه را که در کمیسیون بودجه معین کرده است بدون اینکه سابقه برای صورت جزعش باشد (کافیست و کمیسیون هم دفتهای خودش را در اینخصوص کاملاً مراعات کرده است اما اینکه آقای شیروانی فرمودند باید اول جمع را ببینیم بعد خرجش را تصویب کنیم بنظر بنده جمع مملکت مسلم است و خرج مملکت را باید اول وزراء از روی جمع معین کنند و بمجلس پیشنهاد کنند مثلاً اگر يك مملکتی سالی دوست و پنجاه میلیون عایدات داشته باشد و پنجاه کروار مخارج باید مطابق مخارجش مالیات بگیرد یا اگر مملکتی شصت میلیون مخارج و پنجاه میلیون عایدات داشت تا حدی ممکنست از مخارج آن کم کرد اما اگر يك مخارجی باشد که لازم باشد آنوقت باید ملت آن مملکت مالیات بدهند تا اینکه بر عایدات مملکت افزوده شود پس هیچوقت نمیشود خرج لازمرا معطل گذاشت.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی نیست بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافیست: آقای تدین راجع بچه موضوعت : تدین - چون در این ماده واحده مجموع مخارج دربار سلطنتی و حقوق ولایت عهد را بمبلغ چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان معین کرده است در صورتی که از مبلغ دوست و هشتاد و هشت هزار تومان متعلق بدربار سلطنتی میشود و صد بیست هزار تومان متعلق بولایت عهد بنده تقاضای تجزیه میکنم یعنی قسمت اول که حقوق دربار سلطنتی دوست و هشتاد و هشت هزار تومان است از چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان موضوع شود؛

رئیس - بنده گمان میکنم این تقاضا کمیسیون باید بکند در صورتیکه باین ترتیبی که تقاضا کردید رأی گرفته شود اگر یکی از آنها رد شد دیگر نمیشود مجدداً پیشنهاد کرد

مخبر - نظر کمیسیون هم همین است و از این چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق ولایت عهد است

رئیس - خوب هر چه را میخواهید موضوع بکنید بکنید مابقی را پیشنهاد کنید

یک نفر از نمایندگان تقاضای تجزیه کردند

رئیس - نمیشود تجزیه بشود زیرا اگر یکی از آنها رد شد دیگر پیشنهاد کرد

مخبر - عرض کردم از این چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق دربار سلطنتی و صد بیست هزار تومان حقوق ولایت عهد است

رئیس - عرض کردم از این چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق دربار سلطنتی و صد بیست هزار تومان حقوق ولایت عهد است

رئیس - عرض کردم از این چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق دربار سلطنتی و صد بیست هزار تومان حقوق ولایت عهد است

رئیس - عرض کردم از این چهار صد و هشتاد و هشت هزار تومان دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق دربار سلطنتی و صد بیست هزار تومان حقوق ولایت عهد است

رئیس - پیشنهاد میکنم ماده واحده است که کمیسیون داده بود پس میگردو اینرا پیشنهاد میکنم چون تقاضای تجزیه کرده بودید عرض کردم تقاضای تجزیه ممکن نیست برای اینکه اگر یکی از آنها رد شد دیگر نمیشود پیشنهاد کرد :

ملک الشعراء فرمایش آقای رئیس صحیحست و اصلاً بیخود آقای مخبر تقاضای تجزیه را قبول کردند بعضی از نمایندگان خوبست نفس داده شود.

بعضی دیگر - نفس برای چه باید مطالب تمام شود.

رئیس - رأی میگیریم باینکه نفس داده شود یا نه آقایانیکه موافقت قیام نمایند .

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

در اینموقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت (مجدداً بر ریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید)

مخبر - در موقع نفس کمیسیون بودجه منعقد شد و برای رفع اختلاف نظری که قیامین آقایان بود ماده واحده دیگری تنظیم شد تقدیم میشود و آن ماده واحده سابق استرداد میشود

(شرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد مبلغ صد بیست و دو هزار و هفتصد تومان بشرح ذیل بودجه هذالسنه سیچقان پیل هزار و سیصد و سه دربار ولایت عهد و کابینه سلطنتی را پرداخت نماید :

الف - بودجه دربار سلطنتی دوست و هشتاد و هشت هزار تومان ؛

ب - بودجه ولایت عهد صد و بیست هزار تومان .

ج - بودجه کابینه سلطنتی مطابق صورت مصوب ایالتیل چهارده هزار و هفتصد تومان

نایب رئیس - ماده واحده مطرحست : آقای شیروانی ؛

(اجازه)

(جمعی از نمایندگان رأی بکفایت مذاکرات داده شده است)

شیروانی - مطابق نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که مبلغ دوست و هشتاد و هشت هزار تومان از بابت بودجه سلطنتی و مبلغ چهارده هزار و هفتصد تومان سیچقان پیل کابینه سلطنتی بابت هذالسنه سیچقان پیل هزار و سیصد و سه پرداخت نمایند)

امیر احتشام - اینرا که پیشنهاد کرده است .

جمعی از نمایندگان صحیحست

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - چون آقای شیروانی اشاره بنظامنامه کردند تصور میکنم اینطور نباشد رأی گرفته شد باینکه مذاکرات کافیست و این ماده واحده جدید هم دیگر کلیات ندارد تقاضای تجزیه شده بود و حالا باینصورت در آمده است و بنده تقاضا میکنم رأی گرفته شود

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقایان سر کشیک زاده و آقای سید یعقوب و شیروانی راجع بتجزیه رسیده است قرائت میشود بعد رأی گرفته میشود (بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که سه فقره بودجه دربار بطور تجزیه از مجلس اخذ رأی شود .

نایب رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده قبل از نفس تقاضای تجزیه کرده بودم ولی آقای رئیس بمناسبت اینکه ماده واحده مشتمل بر فقرات متعدده میشود به بنده اجازه ندادند و فرمودند ممکن نیست تجزیه شود ولی وقتی که نظر کمیسیون این شد که ماده واحده دارای فقرات باشد تصور میکنم موافق ماده ۹۹ نظامنامه داخلی این حق بما داده شده است که تقاضای تجزیه بکنیم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم پیشنهاد با همان چیزیست که کمیسیون تصویب کرده است یعنی کمیسیون ماده واحده را در تحت ۳ فقره مرتب کرده بمجلس پیشنهاد کرده است اینست که پیشنهاد ما بایشهاد کمیسیون محترم مخالفت اساسی ندارد

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده با تجزیه مخالفم بعضی از نمایندگان موافق نظامناحق دارند

نایب رئیس - پس راپورت کمیسیون تقسیم میشود سه فقره)

شاهزاده شیخ الرئیس - مجدداً قرائت شود (مجدداً بشرح فوق خوانده شد)

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - خوبست آقای مخبر توضیح بدهند که این راپورت جدید راپورت اولیه چه فرقی دارد آن راپورت اولی مشتمل بر سه فقره بود اینهم هم همینطور است اگر همان اشکالی که در راپورت اول بود حالا هم است پس چه فرقی میکند ولی اگر آن اشکالی که در پیشنهاد اول بود بواسطه این پیشنهاد ثانی رفع میشود خیلی خوبست ولی بنظر بنده همان اشکالی که در راپورت اولی بود در این راپورت هم هست

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - مقصود از تجزیه این بود که تکلیف وزارت مالیه در موقع پرداخت این مبلغ معلوم باشد برای اینکه همانطور که ملاحظه میفرمائید در آن راپورتی که از طرف کمیسیون تقدیم مجلس شده است اینطور نوشته شده است : وزارت مالیه مجاز است که مبلغ چهار صد و هشت هزار تومان از بابت بودجه دربار سلطنتی و ولایت عهد بپردازد در اینجا وزارت مالیه بابت تکلیف می ماند که چه مبلغ از این ۴۰۸ هزار تومان را باید بدربار سلطنتی تخصیص بدهد و چه مبلغ را بولایت عهد؛ بنا بر این لازمست که بالصرحه معین شود باینواسطه تقاضای تجزیه شد برای اینکه تکلیف وزارت مالیه معلوم باشد و در آخر ماده واحده هم تصریح می کنند که مبلغ چهارده هزار و هفتصد تومان بابت مخارج کابینه سلطنتی است بنا بر این ماده واحده سه جزء تجزیه میشود :

یکی بودجه دربار سلطنتی دیگری بودجه ولایت عهد یکی هم مخارج کابینه سلطنتی اما قسمتی را که شاهزاده شیخ الرئیس فرمودند که تکلیف چه خواهد شد و ماتکلیف علیحده نخواهیم داشت

نایب رئیس - دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان شریعت زاده و عظیمی رسیده است قرائت میشود ولی گمان میکنم که این پیشنهادها مورد نداشته باشد (پیشنهاد آقای شریعت زاده بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که راپورت دربار بدو قسمت تجزیه و تقسیم شود

یک - مخارج رسمی و مراسم تشریفاتی از حیث انجام وظایف سلطنتی دو - مخارج شخصی (پیشنهاد آقای عظیمی نیز بقراردیل بنده پیشنهاد میکنم دوست و هشتاد و هشت هزار تومان حقوق دربار نیز تجزیه شود

یعنی حقوق شخص سلطنت علیحده و بودجه دربار علیحده تعیین شود

نایب رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده برای توضیح پیشنهاد خود لازم میدانم يك مقدمه ای را عرض آقایان نمایندگان محترم برسانم که تذکر بآن ضرورت دارد این مقدمه دو جزء دارد :

یکی موافقت شخص من اصولاً با بودجه دربار سلطنتی یکی دیگر باشکل مخالفتی که امروز

نسبت بودجه شده است و در این مخالفت استناد بقوانینی شده است که مربوطست با اعتراض تخلف از انجام وظایف . مقصود این بود که با این قسمت از اعتراضات در بودجه موافق نیستیم و از نقطه نظر رژیم و اصول مشروطیت وجود دربار سلطنت حتمی است بنابراین بودجه اش هم حتمی است .

مسئله نسبتهای تخلف از انجام وظایف طرح در مجلس منشاء آثار قانونی نیست زیرا در اصول مشروطیت يك مجازاتی راجع بتخلف کننده که اجرائش در دست مجلس شورایی باشد مرتب نشده است و اصولاً هیچ تردیدی نیست که شخص پادشاه یا رئیس مملکت يك زندگانی دارد که مناسبت با مقام نمایندگی و ریاست کل مملکت و البته يك مخارجی دارد که اینمخارج از طرف ملت باید داده شود .

در بار يك مؤسسه رسمی مملکتی است و مخارجیکه بآن تعلق میگیرد باید بموجب قانون بودجه معین شود و در تحت نظارت قانونی وزارت مالیه بمصرف برسد بنا بر این بنده معتقدم باینکه تشخیص داده شود که برای انجام مراسم تشریفات يك مقامیکه قوه عالی يك ملتی است مخارج لازمه چقدر است و بنظر بنده تشخیص این موضوع باید در تحت نظریک کمیسیون باشد که مرکب از سه نفر باشند از کمیسیون بودجه يك نفر از دربار يك نفر از وزارت مالیه هم يك نفر معین شود که بنشینند جزئیات مطلب را ملاحظه نموده يك بودجه معین کنند که در تحت نظر وزارت مالیه بمصرف برسیدگی دیگر راجع بمخارج شخص اعلیحضرت شاه است که در آن قسمت اعلیحضرت همایونی آزادی مطلقه دارند و مثل مواجب شخصی است و بهر قسم که خودشان میل دارند خرج میکنند و هیچ قسم کنترل نباید بشود از این نقطه نظر بود که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

مدبر الملک - بنده میخواستم اخطاراً عرض کنم که رعایت نظامنامه نشده است توضیح باید خیلی مختصر باشد آنقدر که توضیح نمیشود داد.

نایب رئیس - گمان میکنم خیلی مختصر بود؛ نظر کمیسیون چیست ؟

مخبر - کمیسیون بدلائل زیادی نمیتواند این پیشنهاد را قبول کند یکی از دلائل همان مطلبی است که خودشان فرمودند و راجع بمخارج شخصی و مخارج دربار کمیسیون کاملاً دقت کرده و مطابق صورتی که در کمیسیون قرائت شده و الا انهم حاضر است و اگر مجلس رأی بدهد قرائت میشود

این بودجه تمام راجع بدربار و مؤسسه سلطنتی است و باسم اعلیحضرت همایونی بهیچوجه نیست

نایب رئیس - آقای عظیمی توضیحی دارید بفرمائید

عظیمی - با توضیحاتی که آقای شریعت زاده دارند دیگر بنده عرضی ندارم

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای دولت آبادی در همین زمینه رسیده است قرائت میشود (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق شخص شاه از بودجه دربار تجزیه شود

نایب رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

دولت آبادی - چون يك اصلاحات اساسی در امور دربار لازم است و همه آقایان هم تصدیق میکنند که تشکیلات حالیه دربار چندان رضایت بخش نیست این است که باید حقوق شخص شاه از بودجه دربار مجزی شود و مابقی که متعلق بدربار است يك کمیسیون بنشینند و تشکیلاتی بدهند و يك قانون استخدام مخصوصی برای آنجا بنویسند که دربار از این طریق که حالا هست آبرو مندتر باشد و مرکز شرافت و تشریفات مملکتی مطابق احتیاجات امروزه مملکتی تأسیس شود این است که بنده تقاضا کردم حقوق سلطنتی از حقوق دربار تجزیه شود

نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده محض رعایت حال مستخدمین جزء دربار و اینکه ممکن است نسبت بآنها از نقطه نظر حقوق بی عدالتی شود موافقم باینکه مخارج مستخدمین دربار و اجزاء جزء از مخارج شخص اعلیحضرت مجزا شود ولی الساعه این پیشنهاد را علی نمیدانم زیرا اطلاعات عمیق در این باب نداریم و نظامنامه و قانونی تهیه نشده است و فوراً نمیتوانیم تشخیص بدهیم که از این بیست و چهار هزار تومان چقدر متعلق بشخص اعلیحضرت باشد و چقدر متعلق بحقوق مستخدمین و ما نمیتوانیم علی العمیا بدون رعایت يك شرائط و ترتیباتی رأی بدهیم که فلان مبلغ متعلق بشخص اعلیحضرت و فلان مبلغ متعلق بمستخدمین باشد و اگر چنانچه باین وسیله هم این لایحه به کمیسیون بر گردد .

بنده تصور میکنم مدتی طول میکشد و نتیجه این خواهد شد که از اول سال تا موقعی که ترتیب بیست و چهار هزار تومان در کمیسیون تصویب شود بطور علی الحساب يك پولهای بگیرند و این ترتیب بعقیده بنده صحیح نیست

بنابر این ممکن است از طرف خود

